

حسینی (ع) که خرافه نیست



در دروان سختی به سر میبریم

از سوی نام حسین و ابوالفضل بردن نشانه عوام زدگی است ، از سوی رفتارهای افراطی و پر از غلو بعضی از دوستان باعث دلزدگی عده ای دیگر از دین و حسین و عزاداری و... شده از سوی بعضی متعصبین مذهبی با افراط در رفتارهای عزاداری خرافی خود باعث شده اند دین زدگی در بعضیها ایجاد بشود و دیگر نتوان به راحتی از حسین بن علی حرف زدو به صد تا چیز محکوم نشد !

بر کدام حسین باید امروز ایستادگی کرد ؟

برای سید الشهداء میتوان بسنده کرد به تجلیل یا سختی کشید و به تحلیل رسید. البته بعد از تحلیل حتما به تجلیل هم میرسیم ولی ایندو منها یکدیگر ، خطرناک میشوند. تجلیلهای بدون دلیل بیشتر رفتار اسطوره سازی است تا اسوه گرایی. ائمه اسوه و نمونه ای هستند عملی برای زیستن نه پرستیدن.

وقتی دین داری جنسش هویتی بشود (IDENTITY) فرد همانطور از دینش دفاع میکند که مثلا از اهل قزوین بودنش تعصب دارد. خب کارکرد دین عمیق تر از هویت است. دین قصد دارد فردیت INDIVIDUALITY مومن را تحت تاثیر توحید قرار بدهد و خیلی بیش از شناسنامه افراد را مد نظر قرار میدهد.



گوهر دین البته که اخلاق است (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) و فنای مومن در خدای متعال

نگرانی اینجاست که آیا میتوان به گوهر دین نرسید ولی احساس ایمان داشت؟ بله ! درست مثل کیسکه واقعا ثروتمند نیست (ملاک ثروت دارایی ها و سرمایه گذاریهای و بورس و ... میباشد) ولی همه زندگیش را میفروشد که یک اتومبیل ۲۵۰ میلیونی میخرد و وقتی سوارش میشود با حس ثروتمندی آنرا میراند زیرا تصویر نوعی ثروتمندی دارد ولی فقط تصور است)

آیینهای دینی اگر به پشتوانه خردمندی و سواد و تحقیق بوده باشد البته زیباست ولی ما آدمهایی میبینیم که تو صف عزاداریها ، نفر اول بوده اند و فرداش با اختلاسهای ۳۰۰۰ میلیاردی در فرنگ فرار کرده اند! اون سیستم عاملی که میشه باهاش حسین و بیت المال خوری را یکجا جمع کرد ، همانیست که ازش



جمع بین حسینی زیستن و رفتارهای اموی داشتن ، وقتی رخ میدهد که فرد به جای “تحلیل” حسین بن علی ، فقط احساس کند تجلیل از او و سیه پوشی برای او کفایت میکند !

ما در این درس ابتدا بخشهایی از تاریخ را براساس منابع غیر خرافی تورو میکنیم تا زمینه های حکومت نبوی و علوی را ادراک کنیم تا بفهمیم چرا حسین بن علی در وصیت نامه به برادرشان محمد حنفیه ، میفرماید که “ انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ” من به قصد تصحیح امت نبی اکرم قیام میکنم (این [لینک](#) مروری سریع بر این تاریخ دارد)

سپس به مقایسه دو نگرش تحلیلی و تجلیلی آیینهای عاشورایی میپردازیم

=====

الان یک آدم میانسال محترمی میاد کنار شما و باهاتون درباره زندگی و معنا صحبت میکند ، شما دردهایی بر روحتان دارید مثل عشق بیان نشده مثل تنهایی یا...ایشون نگاه گرمی بهتون میکنند و جملاتی حکیمانه میگویند که جان شما را خرم میکند . وقتی نامش را میپرسید میفرماید من جلال الدین مجمد بلخی هستم (مولوی) شما هیجان زده میشوید از این رویارویی با یکی از بزرگترین متفکران تاریخ خود که یک نفر در گوشتان زمزمه میکند : این اقا سنی مذهب است .

آیا این جمله باعث میشود که ارزش حرفهای این مرد به شما ، تنزل بیابد؟ آیا اعتقاد مولوی و حافظ به نبی اکرم و جانشینانش و عملکردش در راستای احیای نام خداوند در هستی ، موجب جهنمی شدم ایشان میشود و من با اعتقادات فکر نشده و ایمان نیازموده ام مستوجب بهشت ؟

ما باید واقع بین باشیم . این جدال شیعه و سنی امروز ، اسباب بسیاری از فتنه های مذهبی در بلاد اسلامی میشود و سود همه این حملات انتحاری و سختگیری های مذهبی در کشورهای منطقه، عائد دشمن میشود.^۱



دکتر شیرین سپس به دو شعر مولوی در ماجرای کربلا اشاره کرد



مولوی در داستان مرد سنی و شیعیان متعصب حلب اشاره میکند که سنی از عزاداری تعجب میکند به

ویژه برای بزرگی مثل حسین بن علی و بعد مولوی دعوت میکند هر پیروی را که از نور حسین بن علی برای روشن ساختن راه زندگی خویش استفاده کند :

پس عزا بر خود کنید ای خفتگان

زانکه بدمرگیست این خواب گران

روح سلطانی ز زندانی بجست

جامه چه درانیم و چون خاییم دست

شعر بعدی که به زیبایی تمام در غزلهای دیوان شمس درج شده است عبارت اس از :



=====

۱- توضیح پی نوشتی

مقام معظم رهبری در [صحیبتهای حج ۹۰](#)، به نیکی به این نکته اشاره کردند که باید هشیار بود تا فتنه های مذهبی در منطقه روشن نشود

“دشمنان اسلام و مسلمین میخواهند امت اسلام یکپارچه نباشد؛ چون اگر یکپارچه شد، قوی میشود، مقتدر میشود، در میدانهای گوناگون هویت یابی میکند؛ آن وقت کار برای مستکبران جهانی سخت خواهد شد. لذا میخواهند جدا کنند. اختلافات مذهبی را راه می اندازند، اختلافات قومی را راه می اندازند، ناسیونالیسمهای افراطی را در بین ملتها به جریان می اندازند؛ این فارس است، این عرب است، این ترک است، این پاکستانی است، این کجائی است، این شیعه است، این سنی است؛ این اختلافات را هی برجسته میکنند، هی درشت میکنند، برای اینکه بین ما دیوار ایجاد کنند، برای اینکه دو نفر ما را به یکدیگر بدبین کنند تا ما با هم نباشیم، دستهامان در هم گره نشود و یک حرکت عظیم به وجود نیاید.”

خلاصه درس های دکتر شیری در روز تاسوعا (سال ۹۱)

“امام حسین (ع) قدرت تشخیص دارند . جابجا در نامه های خود از حق و باطل صحبت میکنند. ناصر الدین شاه ۵۰ سال حکومت کرد و اهتمامی عظیم داشت به تکیه دولت و مراسم ایینی بزرگداشت سید الشهدا ولی با مردمانش چه کرد ؟ حقارت و نفوذ دول روس و انگلیس و یغمای مملکت و....

نامی دیگر در این بین میدرخشد :



امیرکبیر ، یار راستین اباعبدالله به کردار که ظاهری مسلمان زده نداشت ولی باطنی پر از نور داشت . او که نیز در بحبوحه دین فروشی علمای درباری و قدرت خواهی مهد علیا و میرزا آقاخان نوری و هم پاله هایشان و دسیسه جاسوسان روسیه و بریتانیای کبیر ، قدرت تشخیصش را از دست نداد و لحظه ای در تامین رفاه و منافع مردمان بدبخت دوره خودش تردیدی نکرد



خدمات میرزاتقی خان :

تاسیس دارالفنون / برچیدن روضه خوانی های بیسوادانه ، نظم دادن به عزاداری های محرم / دعوت از صنعتگران روس به اصفهان برای آموزش فنون به اهل کرا / حساب کتاب دادن به دستگاه وزارت خارجه و تاسیس سفارت خانه در لندن و سن پترزبورگ و بمبئی و ... اینها همه و همه حاصل هوشمندی و همه جانبه نگری این مرد بزرگ است. اینها مثل چراغ مه شکن هستند در رانندگی مه که نورش راه را باز مینمایاند

چه چیزی ما را می تواند مجهز کند به این چراغ مه شکنی که بزرگورانی همچون امیرکبیر آن را داشتند و خیلی ها ندارند!!” اینها درست زندگی کرده اند ، آلوده نیستند به مطامع دنیوی و توجیه نکرده اند هزار رفتار الوده خود را

“یکی را که خیلی دوستش داشته باشید، بین هزاران نفر هم که باشه، تشخیصش می دهید، پیروان واقعی ابا عبدا... هم نمی توانستند او را تشخیص ندهند، او که خدا را دوست می دارد..”
- و من به این می اندیشیدم که به راستی چه نام درستی دارند ایشان پدر بندگان خدا، و آیا من چقدر خدا را بندگی می کنم؟ و چقدر چیزهای دیگر را؟! -!

چگونه باید زیسته باشیم که در تاریکی و مه بفهمیم چه چیزی سرجاش نیست، بینایی، بویایی و چشایی داریم ما...

ته ته اش این است که هر چیزی را نبلعیم، فهمیدیم کپک زده است، تف کنیم، “خوبه که آدم بالا بیاره” و اجازه ندهیم هر چیزی درون ما بشود، جزئی از ما بشود...

اگر حسین ابن علی علیه السلام باشد، به چیزهایی دیگه نمی تواند باشد!...

آنجا که تنها ماندن امام حسن علیه السلام را ورق می زدیم، فهمیدیم که در میانه فتنه ها “هرکسی به قیمت خودش خریدنی می شود!!”
و قیمت من چیست این روزها!!

قدیم تو محله ما ، حسن آباد و امیریه و ...آدمایی که قیمه حضرتی به کام مردمان می رساندند، مهم بودند، یکسال داغ درست زیستن را بر دل زنده میداشتند ، سینه سوخته بودند نه به خاطر صدای گرفته یا نگرفته شون بلکه به خاطر ایمانهای حقیقی که در رفتارشان سریان داشت . اونا بودن که یک یا حسین می گفتند و قدرت شفابخشی تجلی می کرد، به انگشترشان نبود....
“مرد آن است که آتش به جان داشته باشد، آتش هم گرم است و هم روشن، اینجا بود که مولوی میگفت ” کار مردان روشنی و گرمی است “ ماده سوختنی برخی آدمها خیسه ، کار نمی کند، ”

“هندسه ذهنی اهل بیت به نحو نیست که زیر شمشیر غمش رقص کنان میرفتند .”نمیشه قوه تشخیص حق و باطل نداشت و دم از اهل بیت زد. بعضی ها این قوه را ندارند و هر جمله زیبایی را به صرف زیبا بودن قبول میکنند و متوجه نیستند کیستی گوینده این روزها مهمه....طرف ۳ میلیون میگیره بره دعا تو مجلس مردم بخونه ،... خب بگیر نوش جونت ولی فکر نکن این عنایت ابی عبدالله به توست ! آخر دعای مجلست میگی ما رو زیر دست پرستارای بدحجاب نبر و متوجه نیست اون پرستار جانش را برای سلامت تو گذاشته، کسی که اون جان زیبا را نبینه ، باید هم گوشه موی دختر بینوا را خیره ببینه !

“ببینیم کجاهای زندگیمان حقی به دست ما! دارد ضایع می شود!!!”
پای درس هر کسی که بنشین، جنس اون آدم روی تو تاثیر میگذارد حسین بن علی فرزند علی هستند که فرقان است ، جداکننده حق و باطل است. در دستگاه ابا عبدالله رفتن یعنی رسوایی را به جان خریدن و بخشی از این رسوایی ، به خود تو برخواهد گشت یعنی ، خاصیتش اینه، خوب باشی خوبیهات بر ملا میشه، بد باشی هم بدیهات رسوایت می کند،

* رضاخانی که پای برهنه به زیارت کربلا می رفت چه شد که بعدا تمام آیینها و حتی نمادهای

عاشورایی را ممنوع اعلام کرد، چه تضمینی هست که ما که امروز اینها را شنیدیم، یک روز حتی از آوردن نام این پاکان ملول نشویم؟! ”

و برایمان از شهید مرتضی آوینی خواندید که “هرکسی را شب قدریست که باید قدر خود را بداند..”
امشب شب عاشوراست، شب قدر اباالفضل العباس است و همینطور، شب قدر عمر سعد، و شب قدر



[زندگی امیرکبیر](#)

متن بالا به همت فرزانه خانم پیاده سازی شده بود